

## مدل‌سازی مدیریت ریسک بین‌الملل در بانکداری جمهوری اسلامی ایران با توجه به مؤلفه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی و شرایط تحریم

ساسان زارع<sup>۱</sup>

سلمان اسمعیلی اتویی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۵

فصلنامه آفاق امنیت / سال هفتم / شماره بیست و پنجم - زمستان ۱۳۹۳

### چکیده

نوع نگاه جمهوری اسلامی ایران به مسائل بین‌المللی و ایستادگی در مقابل نظام سلطه همواره باعث بروز تهدیدهای بالقوه امنیتی در حوزه‌های مختلف شده است. کانون توجه این تهدیدها در سال‌های اخیر بر بخش‌های اقتصادی، به خصوص سیستم مالی و بانکی متمرکز بوده است. توجه نشدن بجا و بهنگام به این تهدیدهای بالقوه باعث شده است سیستم بانکی کشور و مراودات مالی در سطح بین‌الملل به پاشنه آشیل اقتصاد کشور در شرایط رویارویی با نظام سلطه تبدیل شود. بیشترین اثرگذاری تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی نیز در این بخش نمایان شده است. در نتیجه، داشتن الگویی برای مدیریت این ریسک‌ها ضروری به نظر می‌رسد. دستیابی به الگویی کارا پیش از هر چیز نیازمند شناسایی ریسک‌های به‌وجودآمده و تعیین سطح اهمیت آنهاست.

در این پژوهش در گام اول با استفاده از روش دلفی، ریسک‌هایی که در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی متوجه سیستم بانکی جمهوری اسلامی شده است، شناسایی و با استفاده از آزمون فریدمن سطح اهمیت آنها نسبت به یکدیگر بررسی و اولویت‌بندی می‌شود. در گام بعد با استفاده از دیدگاه خبرگان امر و انجام مصاحبه و تحلیل محتوای آن، راهکارهای بیان‌شده برای مدیریت ریسک‌های شناسایی‌شده در قالب مدلی مفهومی ارائه می‌شود. در نهایت الگوی پیشنهادی با روش دلفی اعتبارسنجی و مدل نهایی بر مبنای دیدگاه خبرگان بیان می‌شود.

### واژگان کلیدی

نظام بین‌الملل، امنیت ملی، تحریم بانکی، ریسک، مدل‌سازی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت، عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)  
۲. کارشناس ارشد معارف اسلامی و مدیریت مالی دانشگاه امام صادق(ع)

جمهوری اسلامی به عنوان کشوری مستقل در عرصه بین‌المللی با چالش‌های بسیاری به ویژه در حوزه اقتصادی به دلیل نوع نگاه خود و تضاد منافی که با جریان حاکم بر اقتصاد جهانی دارد، مواجه است. همین مسئله موجب شده است به نقاط آسیب‌پذیر بخش‌های مختلف اقتصادی در دکترین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران توجه شود. چالش‌هایی را که در حال حاضر سیستم بانکی جمهوری اسلامی با آن مواجه است، می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول چالش‌های نظری که به ایده و اصول نظری بانکداری اسلامی مربوط می‌شوند و غالباً با مفاهیم بانکداری بدون ربا مثل رابطه بین نرخ بهره و ربا مرتبط‌اند. دسته دوم چالش‌های اجرایی بانکداری اسلامی که با مسائلی مانند نقدینگی، ماهیت قراردادهای ریسک بانکداری اسلامی و غیره مربوط می‌شوند. دسته سوم چالش‌های ناشی از تحریم‌های اقتصادی هستند. دشمنان نظام جمهوری اسلامی با درک آسیب‌پذیری زیاد بخش مالی جمهوری اسلامی اقدام به تحریم کامل سیستم بانکی کرده‌اند. شاید مهم‌ترین چالشی که در زمان حاضر بانک‌های ایرانی را با مشکل مواجه کرده تحریم‌های بین‌المللی، به خصوص تحریم‌های مالی است. در نتیجه این تحریم‌ها، بخش عمده‌ای مانند نقل و انتقال ارز، گشایش اعتبارات اسنادی، گشایش ضمانت‌نامه‌های بانکی و ... تحت تأثیر قرار گرفته است.

تحریم اقتصادی<sup>۱</sup> اقدام برنامه‌ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی برای اعمال فشار بر کشور هدف با مقاصد مختلف سیاسی است. تحریم اقتصادی را عموماً بر دو نوع می‌دانند یا آن را در دو زمینه اعمال می‌کنند: اول، تحریم تجاری که در آن صادرات و واردات به کشور هدف، محدود یا قطع می‌شود. دوم، اعمال محدودیت‌ها یا قطع مناسبات مالی. در تحریم مالی، کشور اعمال‌کننده تحریم از انجام معاملات مالی، نقل و انتقال پول و سرمایه‌گذاری خودداری می‌کند. کشور تحریم‌کننده همچنین با استفاده از نفوذ خود در مؤسسات مالی بین‌المللی هرگونه رابطه مالی یا مساعدت‌های فنی را به هم می‌زند یا حتی مبادرت به مسدود کردن دارایی‌های کشور هدف می‌کند.

### ۱. پیشینه و ضرورت انجام تحقیق

عمده پژوهش‌های انجام‌شده در کشور با موضوع تحریم را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

1 . Economic Sanction

دسته اول تحقیقاتی که با هدف گردآوری ادبیات مرتبط با موضوع تحریم و تحلیل مبانی آن از جمله مبانی حقوقی و اقتصادی انجام گرفته‌اند. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد در سلسله گزارش‌های خود درباره تحریم به بررسی موضوعات مرتبط مثل روند تحریم‌های شورای امنیت، تحریم‌های فراتر از قطعنامه‌های سازمان ملل، تجربه کشورها در تحریم‌های هدفمند و راهکارهای مقابله با تحریم‌ها پرداخته است. همچنین در دو پژوهش جداگانه به نام‌های «تحریم‌های مالی هدفمند دستورالعملی برای طراحی و اجرا» و «تحریم اقتصادی، آثار و پیامدها، سیاست‌ها و راهکارها» که با مدیریت سید محمد میرمحمدی و مصطفی آذری به انجام رسیده، ضمن بررسی اهداف تحریم‌ها و فرایند مختلف اعمال تحریم‌های مالی، چارچوب قانونی و روش‌های مؤثرتر کردن آن و ویژگی‌های گوناگون تحریم‌های بین‌المللی هوشمند و آثار احتمالی آنها بر اقتصاد کشور تبیین و توصیه‌های کاربردی برای کاهش آثار و برون‌رفت از آنها ارائه شده است. دسته دوم مطالعاتی هستند که با استفاده از الگوهای مختلف به بررسی تأثیرات تحریم‌ها و میزان اثربخش بودن آنها پرداخته‌اند. آموزگار در مطالعه‌ای نشان می‌دهد که تحریم‌های آمریکا نتوانسته است تغییری در مواضع ایران ایجاد کند. پرگ (۱۹۹۷)<sup>۱</sup> در تحقیق خود به ارزیابی اثر خالص تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر ایران طی دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۰ پرداخته است. وی اثر خالص تحریم‌ها را منفی ارزیابی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که با وجود این‌گونه خسارت‌های اقتصادی، چنین تحریم‌هایی نتوانسته است در رفتار ایران تغییری ایجاد کند. پرگ پیشنهاد کرده است که آمریکا تحریم‌های یک‌جانبه را رها سازد. عسگری و همکاران (۲۰۰۱) تأثیرات اقتصادی تحریم بر ایران را با استفاده از الگوی جاذبه بررسی کرده‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که با وجود هزینه‌های سنگین تحریم‌ها برای هر دو طرف، سیاست ایران تغییر نکرده است. تحقیق پیش رو به بخشی از تحریم‌ها که نظام بانکی و مبادلات مالی را هدف قرار داده است می‌پردازد و تأثیرات تحریم بر عملکرد سیستم بانکی و چالش‌های ناشی از آن را بررسی می‌کند. پس از شناسایی مهم‌ترین ریسک‌های سیستم بانکی با منشأ تحریم، راهکارهای مدیریت این ریسک‌ها مطالعه خواهد شد. در نهایت الگویی برای مدیریت ریسک‌های مذکور در محیط متلاطم بین‌المللی ارائه خواهد شد تا به عنوان دستورالعملی اجرایی مورد بهره‌برداری بانک‌ها قرار گیرد.



## ۲. ادبیات موضوع

پیشینه مطالعات امنیت به صورت گسترده به دوران جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. در این برهه زمانی گفتمان امنیتی دچار تحول عمده شد. گفتمان «امنیت منفی»<sup>۱</sup> نخستین گفتمان شکل گرفته در مباحث امنیتی بود که از بُعد سلبی به مسئله امنیت می‌پرداخت. در واقع در این گفتمان، امنیت ملی از لحاظ معنایی دلالت بر نفی تهدید داشت. گفتمان «امنیت مثبت»<sup>۲</sup> دومین گفتمان مطالعات امنیت بود که با هدف نفی جدی اصول گفتمان امنیت منفی شکل گرفت. در این گفتمان گرچه نفی تهدید در تعریف امنیت مؤثر واقع می‌شد، وجود شرایط مطلوب و مساعد برای تحقق اهداف بازیگران در راستای منافع ملی در کانون توجه این گفتمان بود. برخلاف گفتمان امنیت منفی که بر وجهه سلبی آن تأکید می‌شد، در این گفتمان به جنبه «تأسیسی» آن توجه نشان داده شد؛ بدین معنا که امنیت مقدم بر منافع ملی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن بازیگران به ضریب اطمینان زیادی برای دستیابی و پاسداری از منافع ملی دست یافته باشند (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۲-۳۰؛ نویدنیا، ۱۳۸۸: ۲۶-۳۰).

## ۳. ابعاد امنیت ملی

براساس تعریف و مفهوم موسع از امنیت ملی و هدف مرجع آن که فراتر از امنیت نظامی و صیانت از دولت سرزمینی می‌رود، امنیت ملی دارای پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی - اجتماعی و زیست‌محیطی است. طبعاً میزان تأثیرپذیری و آسیب‌پذیری هریک از این ابعاد و وجوه امنیت ملی ایران از تهدیدهای خارجی و آسیب‌های داخلی متفاوت و متغیر است.

### الف) امنیت نظامی

رویکرد نظامی، اولین رویکرد منسجمی است که در حوزه مطالعات امنیتی، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرد. اگرچه تحولات ناشی از جنگ جهانی دوم و در پی آن فروپاشی شوروی، انتقادهایی را به این رویکرد وارد کرد و محوریت آن را در عرصه مطالعات امنیتی زیر سؤال برد، حقیقت آن است که آنچه اتفاق افتاده به تغییر چهره نظامی‌گری در این حوزه از مطالعات مربوط است (Clawson, Patrick. 2007: 23). این تغییر پارادایم جدید لزوماً مربوط به کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه‌یافته

1 . Negative Security

2 . Positive Security



آسیایی و آفریقایی که دچار ضعف نسبی نظامی هستند نبوده است، بلکه بر بروز منازعات مشابه در کشورهای توسعه‌یافته و قدرتمند نیز تأکید دارد (افتخاری، ۱۳۸۱: ۱۴۰-۱۴۸ و ۳۱۹-۳۱۳).

#### ب) امنیت سیاسی

به اعتقاد بوزان،<sup>۱</sup> امنیت سیاسی ناظر بر تهدیدهای مطرح برای مشروعیت، به رسمیت شناختن واحدهای سیاسی یا الگوهای گوهری (ساختارها، فرایندها یا نهادها) است. تهدیدهای مشروعیتی را می‌توان از دو منظر داخلی و خارجی پیگیری کرد: ۱. در مشروعیت داخلی واحدهای سیاسی، عمدتاً از ایدئولوژی، اندیشه‌های سازنده و موضوعات تعریف‌کننده دولت صحبت می‌شود. ۲. منظور از مشروعیت خارجی، شناسایی دولت از سوی جهان خارج و توسط دولت‌های دیگر است (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۱۹-۲۲۰).

#### ج) امنیت فرهنگی - اجتماعی

در رویکرد فرهنگی به امنیت به فرهنگ بیش از سایر ابعاد امنیتی شامل اقتصادی، سیاسی و نظامی‌گری توجه می‌شود. در واقع در این رویکرد، برخلاف رویکردهای پیشین، فرهنگ و هویت با تعریف ارزش‌ها و هنجارهای عجین شده در بستر جامعه به ارائه تعریفی از منافع می‌پردازد که سیاست‌های امنیت ملی را شکل می‌دهد و مبنای کنش بازیگران می‌شود (Katzenstein, 1996: 537).

#### د) امنیت زیست‌محیطی

پس از جنگ سرد، طیف جدیدی از تهدیدهای غیرنظامی، امنیت دولت‌ها را به چالش کشیده است. بر مبنای یک تقسیم‌بندی، موضوعات امنیتی را در سطح کلان می‌توان به دو طیف تقسیم کرد: اول، موضوعات سنتی؛ دوم، موضوعات غیرسنتی (Carter, 1992: 60-75).

#### ه) امنیت اقتصادی

رویکرد اقتصادی به امنیت به تحولات دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد. از این دوران به بعد، توجه به اقتصاد به عنوان یکی از ابعاد امنیت به رویکرد امنیتی تغییر ماهیت داد و به

رابطه اقتصاد و امنیت ملی توجه افزون تری شد (تریف، ۱۳۸۳: ۲۸۲-۲۷۳). همواره منابع اقتصادی به مثابه یکی از عوامل قدرت ملی مطرح است؛ بنابراین تقویت آن رکن اساسی سیاست‌های امنیت ملی به حساب می‌آید. افزایش ظرفیت و توان اقتصادی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به میزان قدرت ملی در عرصه داخلی و بین‌المللی تأثیر می‌گذارد که در نهایت، خود مهم‌ترین عامل در تعریف و افزایش ضریب امنیت ملی است. در حال حاضر، با توجه به تحولات اقتصادی رخ داده در نیمه دوم قلم بیستم، سرمایه، نیروی کار، فناوری و اطلاعات جایگزین عوامل سنتی اقتصادی یعنی وسعت جغرافیایی، وجود منابع طبیعی، جمعیت و ... شده است. در رویکرد اقتصادی به امنیت، بی‌توجهی به آن در دو سطح برای دولت مشکل‌ساز است. سطح اول، فقر و وضعیت وخیم اقتصادی موجب بی‌ثباتی در عرصه داخلی شده و به جای بسیج منابع، به تزلزل در امنیت ملی انجامیده است. سطح دوم، به حضور دولت در عرصه بین‌المللی اشاره دارد. در این سطح، دولت‌ها در جریان رقابت و نفوذ قدرت ملی در نظام بین‌المللی ضعف دارند و به تبع آن، در برابر تهدیدهای موجود در عرصه بین‌المللی آسیب‌پذیرند.

#### ۴. ماهیت امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

امنیت اقتصادی بعدی مستقل از امنیت ملی است. در این معنا، جنگ اقتصادی در حقیقت بدیل کارکردی برای استفاده از نیروی نظامی است؛ به گونه‌ای که کشورها از قدرت و ابزارهای اقتصادی علیه کشورهای دیگر سود می‌برند تا آنها را به انجام دادن یا ندادن کاری وادارند. نمونه بارز جنگ اقتصادی، تحریم‌های اقتصادی و اعمال مجازات‌های اقتصادی علیه کشورهاست که به منظور محروم و محدود کردن توان اقتصادی آنها در دهه‌های گذشته اعمال شده است.

به اعتقاد دهقانی فیروزآبادی، امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با هر دو دسته از تهدیدهای کارگزاری و ساختاری مواجه است. از یک طرف، تقریباً از بدو پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحریم‌ها و مجازات‌های اقتصادی از سوی آمریکا علیه جمهوری اسلامی اعمال شده است. تحریم و مجازات اقتصادی ایران در چارچوب طرح موسوم به داماتو<sup>۱</sup> و قانون ایلسا<sup>۲</sup> نمونه گویای این اقدامات است. همچنین قطعنامه‌های ۱۷۳۷

1 . Al D'Amato

2 . ILSA



و ۱۷۴۷ شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر اعمال بعضی تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی علیه ایران، حاکی از افزایش تهدیدهای اقتصادی علیه امنیت ملی است. از سوی دیگر، ساختار و نظام اقتصادی سرمایه‌داری جهانی مبتنی بر لیبرالیسم اقتصادی و بازار و تجارت آزاد چالش‌های امنیتی برای ایران ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که جمهوری اسلامی در وضعیت تناقض‌نمایی قرار می‌گیرد. در صورت ادغام در اقتصاد جهانی، کشور با خطر وابستگی اقتصادی مواجه می‌شود. همگرا نشدن با آن نیز به مثابه محرومیت از منابع، سرمایه و بازار جهانی است.

بر این اساس، معیار ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان با افزایش و ارتقای اقتصادی ایران از طریق این سازوکارها و ابزارها تعیین کرد: به کارگیری دیپلماسی اقتصادی برای تأمین خودکفایی و خوداتکایی اقتصادی، متنوع‌سازی منابع اقتصادی و توسعه وابستگی متقابل اقتصادی. میزان موفقیت سیاست خارجی در تسهیل دسترسی آزادانه ایران به منابع، سرمایه و بازار جهانی، صادرات و واردات کالاها و فناوری راهبردی و ضروری برای تأمین رفاه و توسعه اقتصادی را می‌توان شاخص دیگری برای ارزیابی آن دانست (تلخیص دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۷۸: ۱۰۷).

##### ۵. تهدیدها علیه امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

###### الف) نظام اقتصاد دولتی مبتنی بر رانت نفتی در جمهوری اسلامی

مهم‌ترین تهدید علیه امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، بیماری نظام اقتصادی است. این بیماری دو علت دارد: نخست، اقتصاد دولتی که به نگرش دولت‌مردان جمهوری اسلامی در دهه اول انقلاب و همچنین دشواری‌های جنگ تحمیلی باز می‌گردد. تصور غالب تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران اقتصادی این بود که هر چه اقتصاد دولتی باشد، امنیت اقتصادی جامعه بیشتر تضمین خواهد شد. دوم، اقتصاد نفتی: اقتصاد مسلط نفتی در ایران قدمتی دیرینه دارد و به ساختار اقتصاد نفتی آن باز می‌گردد. دولت نفت خام را با حداقل ارزش افزوده به فروش می‌رساند و بخش زیادی از درآمدهای دولت به نفت وابسته است. برای مثال، وابستگی بودجه دولت به نفت در سال ۱۳۹۱ از ۴۲٫۲ درصد در قانون سال قبل به ۴۶٫۶ درصد افزایش یافته است.

### ب) تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران

قدمت تحریم‌های غرب به رهبری آمریکا علیه جمهوری اسلامی به سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی باز می‌گردد. در این چند دهه، بدون استثنا جمهوری اسلامی کم یا بیش موضوع تحریم‌های غرب بوده است. اگرچه دامنه تحریم‌ها متنوع بوده است، لایه‌های اصلی این تحریم‌ها تهدید علیه امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است. نگاهی اجمالی به تحریم‌های اعمال شده علیه جمهوری اسلامی گویای این مدعاست که در ادامه سیر تاریخی تحریم‌ها بیان می‌شود.

به اعتقاد کارشناسان، مهم‌ترین آثار و پیامدهای منفی تحریم‌های اخیر غرب علیه امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی که به بهانه پرونده هسته‌ای ایران اتخاذ شده به شرح زیر است (کارآفرین (ب)، ۱۳۹۰، تلخیص: ۲۴-۲۵):

- نپذیرفتن اعتبارات اسنادی گشایش شده در بانک‌های ایرانی توسط فروشندگان و بانک‌های خارجی؛

- متوقف شدن خطوط اعتباری توسط بانک‌های خارجی و اعمال محدودیت‌های زیاد در گشایش LC؛

- نیاز به اخذ مجوز صادرات به ایران برای اکثر کالاها؛

- همکاری نکردن شرکت‌های بیمه به منظور دادن پوشش بیمه‌ای به فروشندگان برای معاملات با ایران؛

- صادر نکردن ضمانت‌نامه بانکی توسط بانک‌های فروشندگان در مقابل پیش‌پرداخت؛

- گشایش و بازدید فیزیکی کالا و محوله‌های ارسالی به ایران توسط گمرک کشورهای فروشنده؛

- علاقه نداشتن اکثر فروشندگان خارجی به معامله با جمهوری اسلامی ایران؛

- زمان‌بر و هزینه‌بر بودن فرایند خرید کالا از طریق تشریفات مناقصه؛

- تقاضای پیش‌پرداخت بیش از ۲۵ درصد و پرداخت بیش از ۹۰ درصد وجه کالا قبل از حمل؛

- شرکت نکردن بسیاری از سازندگان و فروشندگان خارجی در مناقصات برگزار شده؛

- ورود شرکت‌های واسطه در معاملات و تقاضای پیش‌پرداخت بیش از ۲۵ درصد بدون ارائه تضمین بانکی؛

- مشکلات متعدد در تأمین تجهیزات فنی مورد نیاز مراکز پتروشیمی و صنعت

نفت و گاز مانند پارس جنوبی؛





- افزایش زیاد هزینه تأمین اقلام، تجهیزات و خدمات فنی مورد نیاز به دلیل ایجاد محدودیت و انحصار از سوی برخی شرکت‌های خارجی خاص حاضر به فعالیت با ایران؛  
- افزایش نیافتن ضریب بازیافت در میدان‌های نفتی و عدم تولید صیانتی از مخازن هیدروکربونی، به دلیل حضور و مشارکت نداشتن شرکت‌های طراز اول جهان به لحاظ فناوری و دانش فنی مورد نیاز برای اجرای مطالعات افزایش ضریب بازیافت موسوم به EOR؛

- کاهش میزان سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز؛  
- افزایش چند برابر هزینه توسعه میدان‌های نفت و گاز کشور با شرکت‌های نه چندان مطرح چینی و سایر شرکت‌های داخلی و خارجی؛  
- مشکلات متعدد برای انتقال درآمد حاصل از صادرات نفت خام ایران از برخی کشورها مانند هند در سال‌های اخیر؛  
- کاهش تدریجی خرید نفت خام از جانب مشتریان سنتی ایران مانند ژاپن، هند و کشورهای اروپایی و جبران کاهش خرید نفت خام ایران با نفت خام عربستان و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس؛  
- افزایش مصرف فرآورده‌های نفتی مانند نفت کوره و نفت گاز به دلیل راندمان پایین نیروگاه‌های کشور در نتیجه تحریم‌های اعمال شده بر صنعت برق.

### ج) ریسک‌های ناشی از تحریم در بانک‌های ایرانی

شاید مهم‌ترین چالشی که در زمان حاضر از بعد امنیت اقتصادی مطرح شده، تحریم‌های بین‌المللی به خصوص تحریم‌های مالی علیه بانک‌های ایرانی است که سیستم اقتصادی کشور را با مشکلات جدی مواجه کرده است. در نتیجه این تحریم‌ها بخش عمده‌ای از عملیات بانکی از جمله نقل و انتقال ارز، گشایش اعتبارات اسنادی، گشایش ضمانت‌نامه‌های بانکی و... تحت تأثیر شدید قرار گرفته است.

تأثیرات تحریم بانک‌ها روی سیستم مالی و پولی کشور عبارت‌اند از:

۱. کاهش درآمد بانک به دلیل محدود شدن خدمات مالی بین‌المللی؛  
۲. افزایش ریسک‌های بین‌المللی بانک، به دلیل عدم امکان استفاده از ابزارهای مالی بین‌المللی؛

۳. افزایش مخاطره در خصوص منابع بانک؛

۴. افزایش مطالبات؛

۵. تأثیر بر ریسک اعتباری؛  
 ۶. کاهش اعتماد فروشندگان بین‌المللی به سیستم بانکی؛  
 ۷. تحمیل هزینه‌های تأمین مالی؛  
 ۸. کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی.  
 تأثیرات تحریم بانک‌ها بر سودآوری شرکت‌هایی که مرادوات مالی با سیستم بانکی دارند:

۱. گشایش اعتبار و نقل و انتقالات مالی با سایر کشورها؛  
 ۲. کاهش سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس؛  
 ۳. محدود شدن تولیدکنندگان در تأمین نیازهای وارداتی از طریق استفاده از اعتبارات اسنادی؛

۴. افزایش هزینه و زمان معاملات و مرادوات؛  
 ۵. قطع منابع ارزی و تزریق نشدن پول به شرکت‌ها؛  
 ۶. دشواری انجام سفرهای تجاری؛  
 ۷. افزایش ریسک سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خارجی.  
 ایجاد جو نا اطمینانی در اقتصاد: گسترده شدن تحریم‌ها به نگرانی سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان دامن می‌زند و در فعالیتهای اقتصادی اختلالاتی ایجاد می‌کند که برخی از آنها به قرار زیر هستند:

۱. برآورد هزینه و درآمدهای آتی فعالیت‌ها غیرشفاف می‌شود و در تخصیص منابع و کارایی فعالیت‌های اقتصادی اختلال ایجاد می‌شود.  
 ۲. قیمت کالاها و خدمات به دفعات بیشتری از طرف بنگاه‌های تولیدی و توزیعی در سطح خرده‌فروشی تعدیل می‌شود.  
 ۳. تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی برای تمام بخش‌های اقتصادی اعم از خانوارها، بنگاه‌ها یا بخش دولتی مشکل می‌شود.  
 ۴. در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری بنگاه‌های اقتصادی انحراف ایجاد می‌شود.

## ۶. روش تحقیق

هدف این مقاله بیان چگونگی شناسایی ریسک‌های بانکی ناشی از تحریم در بانک‌های ایرانی و همچنین نحوه دستیابی به الگوی مفهومی مدیریت این ریسک‌هاست. بدین منظور شناسایی ریسک‌ها مستلزم استفاده از روشی کمی و به دست آوردن الگوی



مدیریت آنها با توجه به ماهیت کیفی آنهاست که نیازمند استفاده از روشی کیفی است. جامعه آماری پژوهش شامل همه بانک‌های ایرانی اعم از بانک‌های خصوصی، بانک‌های دولتی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی است. هرچند تحریم‌های اعمال شده علیه بانک‌های ایرانی یکسان نیست، همه آنها از تحریم‌های سیستم بانکی متأثر شده‌اند و در نتیجه در جامعه آماری این تحقیق قرار می‌گیرند.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها به ترتیب زیر عمل خواهد شد: در بخش اول برای شناسایی ریسک‌ها از روش دلفی<sup>۱</sup> استفاده خواهد شد. پس از شناسایی ریسک‌ها در مرحله بعد، به منظور اولویت‌بندی آنها طی ارسال پرسشنامه لیکرت<sup>۲</sup>، دیدگاه خبرگان درباره میزان اهمیت هر یک گردآوری و نتایج حاصل با استفاده از نرم‌افزار SPSS ارزیابی می‌شود. روش به کاررفته برای تجزیه و تحلیل داده‌ها روش ناپارامتریک فریدمن<sup>۳</sup> است که با توجه به ماهیت تحقیق و عوامل مورد بررسی بهترین گزینه به نظر می‌رسد. پس از شناسایی و اولویت‌بندی ریسک‌ها، در مرحله پایانی تحقیق با تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان، الگوی مدیریت ریسک‌ها شناسایی و ارائه خواهد شد.

#### الف) روش دلفی

روش دلفی کاری است در ارتباطات گروهی بین یک هیئت از کارشناسانی که با هم فاصله جغرافیایی دارند (آدلر و زیگلیو، ۱۹۹۶). این تکنیک به کارشناسان امکان می‌دهد به طور نظام‌مند روی مشکلی پیچیده یا کاری که به عهده آنهاست، کار کنند. خمیرمایه این تکنیک «منصفانه و بی‌پرده» بودن است. در این روش دسته‌ای از پرسشنامه‌ها که از طریق ایمیل یا به روش‌های دیگر برای یک گروه اولیه انتخاب شده از کارشناسان ارسال شده است، مقایسه می‌شوند. این پرسشنامه‌ها برای استخراج و تدوین پاسخ‌های فردی به مشکل مد نظر، طراحی شده‌اند و کارشناسان می‌توانند دیدگاه خود را به عنوان پیشرفت‌های کار گروهی در راستای وظایف محوله تصحیح کنند. نقطه قوت روش دلفی، غلبه بر ضعف عملکرد کمیته‌های سنتی است.

فاول<sup>۴</sup> (۱۹۷۸) این ده گام را برای روش دلفی پیشنهاد می‌کند:

- 1 . Delphi Method
- 2 . Likert
- 3 . Friedman
- 4 . Fawle



۱. شکل‌دهی یک تیم برای دستیابی و هدایت دلفی در موضوعی معین؛
۲. انتخاب یک یا چند گروه علمی برای همکاری در موضوع؛
۳. تدوین پرسشنامه اولیه دلفی؛
۴. آزمون پرسشنامه برای انتخاب واژگان مناسب (به منظور حذف موارد نامعلوم و ابهامات)؛
۵. ارسال پرسشنامه اول برای گروه اول؛
۶. تحلیل پاسخ‌های دوره اول؛
۷. آماده‌سازی دوره دوم پرسشنامه (در صورت امکان آزمون)؛
۸. ارسال پرسشنامه دوم به گروه علمی؛
۹. تحلیل دور دوم پاسخ‌ها (گام‌های ۷ تا ۹ تا زمانی که لازم باشد و به نتایج قابل اعتماد ختم شود، تکرار می‌شود).
۱۰. آماده‌سازی گزارش توسط تیم تحلیل برای ارائه نتایج کار.

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
.۸۸۵	۴۰

### (ب) روایی

از آنجا که در این تحقیق از فرایند دلفی برای شناسایی ریسک‌ها استفاده می‌شود، به طور طبیعی اجماع خبرگان درباره ریسک‌های مدنظر به دست می‌آید و در نتیجه همه پاسخ‌دهندگان با ملاحظه حاصل دیدگاه سایر خبرگان از پرسشنامه مرحله اول، دقیقاً با منظور و هدف تحقیق آشنا خواهند شد. همچنین مصاحبه‌های مقدماتی برای شناسایی اولیه ریسک‌ها به روایی بیشتر سنجه‌های تحقیق کمک کرده است. نتایج حاصل از مراحل بعدی تحقیق و ماهیت پاسخ‌های شرکت‌گذاشتگان در تحقیق نشان می‌دهد که ریسک‌های بیان‌شده در پرسشنامه دوم به خوبی ابعاد مختلف ریسک‌ها را به تصویر کشیده است. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه شده که جدول زیر نشان‌دهنده نتایج آن است:

جدول ۱- محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه

Case Processing Summary		
	N	%
Case Valid	۱۳	۱۰۰
Excluded <sup>a</sup>	۰	۰
Total	۱۳	۱۰۰

a. Listwise deletion based on all variables in the procedure.



آلفای کرونباخ در روش لیکرت چنانچه بالای ۰,۷۰ باشد، مناسب است (دانایی فرد، الوانی، آذر، ۱۳۸۷). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ضریب مذکور برابر ۰,۸۸۵ است که از ۰,۷ بیشتر است و پایایی پرسشنامه تحقیق را تأیید می‌کند.

## ۷. نتایج تحقیق

### الف) شناسایی ریسک‌ها به روش دلفی

در این مرحله با توجه به ویژگی‌های بیان‌شده، خبرگان مد نظر شناسایی شدند و پرسشنامه مرحله اول دلفی بین آنان توزیع شد. شایان ذکر است انتخاب خبرگان با توجه به امکان دسترسی به آنان و همچنین میزان آشنایی آنها با جنبه‌های مختلف موضوع تحقیق و ابعاد گوناگون آن انجام گرفته است.

هرچند به اقتضای ماهیت موضوع تحقیق، تعداد زیادی از خبرگان مد نظر تمایل کافی به شرکت در فرایند تحقیق نداشتند، در نهایت سیزده نفر پرسشنامه‌های فرایند دلفی را تکمیل کردند و بازگرداندند.

جدول زیر عوامل چهل‌گانه شناسایی شده به عنوان ریسک‌های سیستم بانکی را که از پرسشنامه‌های فرایند دلفی استخراج شده است، نشان می‌دهد:

جدول ۲- عوامل شناسایی شده به عنوان ریسک‌های سیستم بانکی از نظر خبرگان

ردیف	شرح ریسک بیان شده
۱	ریسک دریافت و انتقال وجوه حاصل از صادرات و به طور خاص فروش نفت
۲	ریسک واردات کالا و خدمات به ویژه کالاهای اساسی به کشور به دلیل صعوبت در پرداخت وجوه مربوط
۳	ریسک تنظیم تعهدات کشور توسط بانک مرکزی (به معنی اختصاص درآمدهای ارزی به مصارف ارزی به شکل کارا)
۴	بلوکه شدن دارایی‌های بانک‌ها در حساب‌های خارجی
۵	تأمین نشدن نیازهای بانکداری متمرکز الکترونیکی (Core Banking) به دلیل محدودیت‌های اعمالی
۶	فشار شدید بر بانک مرکزی و جلوگیری از ایفای نقش مدیریتی خود در سطح بین‌المللی
۷	کاهش اعتماد عمومی به سیاست‌های اعلامی بانک مرکزی
۸	جهت‌دهی به بازار ارز در کشور توسط سیستم غیررسمی
۹	ایجاد رانت، در نتیجه چند نرخی شدن ارز و احیای نظام تخصیص ارز
۱۰	ریسک حفظ ارزش پول توسط بانک مرکزی به دلیل محدودیت در عرضه ارز و افزایش هزینه‌های مدیریت بازار ارز
۱۱	صعوبت در گشایش اعتبارات اسنادی و به تبع آن واردات کالا به کشور در نتیجه تضعیف روابط کارگزاری بانک‌ها
۱۲	ممنوعیت استفاده از خدمات ارتباطی از قبیل سوئیفت (SWIFT) و رویترز معاملاتی (Reuters)
۱۳	صعوبت در حواله و انتقالات ارزی
۱۴	افزایش ریسک در انتقالات ارزی به دلیل استفاده از شیوه‌های ناامن
۱۵	افزایش هزینه‌های نقل و انتقال ارز (برای مثال کارمزد صرافی)



۱۶	تعطیلی یا کاهش حجم فعالیت‌های شعب خارج از کشور
۱۷	افزایش ریسک اقتصادی و سیاسی کشور
۱۸	نارضایتی مردم در نتیجه کاهش خدمات بانکی
۱۹	کاهش درآمد بانکی ناشی از کاهش فعالیت‌ها و به تبع آن گردش مالی بانک از قبیل گشایش اعتبار و حوالجات
۲۰	کاهش سپرده‌های بانکی به دلیل احساس ناامنی مردم
۲۱	افزایش هزینه‌های بانک در نتیجه آثار تورمی تحریم‌ها
۲۲	کاهش گردش پول و کاهش عملیات بانکی در نتیجه از رونق افتادن کسب و کار بر اثر تحریم
۲۳	محدودیت در دستیابی به فناوری‌های روز و سایر کالاهای مورد نیاز بانک
۲۴	محدودیت در صادرات کالا و خدمات به دلیل محدودیت در گشایش ضمانت‌نامه‌های ارزی، انتقال وجوه و ...
۲۵	تمایل نداشتن سایر بانک‌ها (در کشورهای غیر تحریم‌کننده) به همکاری با بانک‌های ایرانی (حتی بانک‌های تحریم نشده)
۲۶	هجوم مردم به بازار ارز به دلایل مختلف (پوشش ریسک‌های آتی، سفته‌بازی، سرمایه‌گذاری، خروج دارایی‌ها از کشور)
۲۷	بازگشت نکردن ارزهای صادراتی به سیستم بانکی کشور و غیرشفاف شدن درآمدهای صادرکنندگان
۲۸	تأمین مالی نشدن بین‌المللی و کاهش خدمات تأمین مالی مجدد
۲۹	نداشتن امکان سرمایه‌گذاری و استفاده از زمینه‌های درآمدی بین‌المللی از قبیل خرید فلزات قیمتی، خرید اوراق قرضه بین‌المللی، خرید اسکناس و ...
۳۰	چالش‌های حقوقی در قراردادهای جاری بین‌المللی بانک با طرف‌های خارجی به دلیل بهانه کردن شرایط فورس مازور به منظور سر باز زدن از تعهدات
۳۱	مخدوش شدن وجهه بین‌المللی بانک‌ها و کاهش اعتبار آنها در برابر بانک‌های خارجی
۳۲	نداشتن امکان استفاده از ابزارهای مشتقه خارجی برای پوشش ریسک بانک
۳۳	کاهش قدرت منطقه‌ای ایران به لحاظ اقتصادی و جایگزینی رقبا
۳۴	افزایش هزینه‌های بانک در نتیجه افزایش بهای کالاها و تجهیزات مورد نیاز از قبیل دستگاه‌های POS، خودپردازها و ...
۳۵	محدودیت در پرتفوگردانی جهت ارزهای مورد نیاز کشور
۳۶	خروج سرمایه‌های ملی به سایر کشورهای منطقه
۳۷	نداشتن امکان استفاده از کارت‌های اعتباری و بدهی مشتریان ایرانی در سایر کشورها و لزوم حمل پول نقد
۳۸	ارائه نشدن خدمات توسط کارت‌های شناخته‌شده بین‌المللی از قبیل مسترکارت (Master Card) و ویزاکارت (Visa Card) به بانک‌های ایرانی
۳۹	افزایش ریسک اعتباری بانک و به تبع افزایش هزینه‌های مربوط
۴۰	صادرات کالاها و واردشده‌های تولیدشده با دلارهای یارانه‌ای و بهره‌مندی از امتیازات صادرات و اختلال در چرخه مواد اولیه تولید

### ب) اولویت‌بندی ریسک‌ها با استفاده از روش فریدمن

در تحلیل نتایج آزمون فریدمن می‌توان گفت چنانچه سطح معنی‌داری کمتر از میزان خطا باشد، وجود تفاوت بین حداقل یک زوج از نمونه‌ها استنباط می‌شود. از آنجا که این آزمون معمولاً در سطح خطای ۵ درصد در نظر گرفته می‌شود، برای رسیدن به این نتیجه باید سطح معنی‌داری، کمتر از ۰,۰۵ باشد.



جدول ۳- نتیجه آزمون فریدمن

Test Statistics <sup>a</sup>	
N	۱۳
Chi-square	۱۳۵.۳۵۸
Df	۳۹
Asymp. Sig.	۰۰۰.

a. Friedman Test

در نتایج حاصل از نرم‌افزار SPSS سطح معنی‌داری صفر است که نشان‌دهنده مردود شدن فرض صفر تحقیق است. با توجه به نتایج فوق مشخص می‌شود سطح اهمیت چالش‌های بیان‌شده در نظر خبرگان یکسان نیست و همچنین اولویت آنها با توجه به سطح اهمیت هر یک از عوامل به ترتیب زیر بوده است:

جدول ۴- اولویت چالش‌های ناشی از تحریم در سیستم بانکی طبق نظر خبرگان

اولویت	شرح چالش بیان شده	نام عامل
۱	صعوبت در حواله و انتقال ارزی	X13
۲	چالش دریافت و انتقال وجوه حاصل از صادرات و به طور خاص فروش نفت	X1
۳	چالش واردات کالا و خدمات به ویژه کالاهای اساسی به کشور به دلیل صعوبت در پرداخت وجوه مربوط	X2
۴	ایجاد رانت در نتیجه چندنرخ شدن ارز و احیای نظام تخصیص ارز	X9
۵	صعوبت در گشایش اعتبارات اسنادی و به تبع آن واردات کالا به کشور در نتیجه تضعیف روابط کارگزاری بانکها	X11
۶	تعطیلی یا کاهش حجم فعالیت‌های شعب خارج از کشور	X16
۷	ممنوعیت استفاده از خدمات ارتباطی از قبیل سوئیفت و رویترز معاملاتی	X12
۸	افزایش ریسک در انتقالات ارزی به دلیل استفاده از شیوه‌های نامن	X14
۹	افزایش ریسک اقتصادی و سیاسی کشور	X17
۱۰	کاهش درآمد بانکی ناشی از کاهش فعالیت‌ها و به تبع آن گردش مالی بانک از قبیل گشایش اعتبار و حوالجات	X19
۱۱	تمایل نداشتن سایر بانکها (در کشورهای غیرتحریم‌کننده) به همکاری با بانک‌های ایرانی (حتی بانک‌های تحریم‌نشده)	X25
۱۲	بازگشت نکردن ارزهای صادراتی به سیستم بانکی کشور و غیرشفاف شدن درآمدهای صادرکنندگان	X27
۱۳	محدودیت در صادرات کالا و خدمات به دلیل محدودیت در گشایش ضمانت‌نامه‌های ارزی، انتقال وجوه و...	X24
۱۴	افزایش هزینه‌های نقل و انتقال ارز (برای مثال کارمزد صرافی)	X15



X3	چالش تنظیم تعهدات کشور توسط بانک مرکزی (به معنای اختصاص درآمدهای ارزی به مصارف ارزی به شکل کارا)	۱۵
X28	نداشتن امکان تأمین مالی بین‌المللی و کاهش خدمات ریفاینانس	۱۶
X38	ارائه نشدن خدمات توسط کارت‌های شناخته‌شده بین‌المللی از قبیل مسترکارت و ویزاکارت به بانک‌های ایرانی	۱۷
X31	مخدوش شدن وجهه بین‌المللی بانک‌ها و کاهش اعتبار آنها در برابر بانک‌های خارجی	۱۸
X6	فشار شدید بر بانک مرکزی و جلوگیری از ایفای نقش مدیریتی خود در سطح بین‌المللی	۱۹
X36	خروج سرمایه‌های ملی به سایر کشورهای منطقه	۲۰
X26	هجوم مردم به بازار ارز به دلایل مختلف (پوشش ریسک‌های آتی، سفته‌بازی، سرمایه‌گذاری، خروج دارایی‌ها از کشور)	۲۱
X39	افزایش ریسک اعتباری بانک و به تبع آن، افزایش هزینه‌های مربوط	۲۲
X33	کاهش قدرت منطقه‌ای ایران به لحاظ اقتصادی و جایگزینی رقبا	۲۳
X7	کاهش اعتماد عمومی به سیاست‌های اعلامی بانک مرکزی	۲۴
X35	محدودیت در پرتفوگردانی برای ارزهای مورد نیاز کشور	۲۵
X4	بلوکه شدن دارایی‌های بانک‌ها در حساب‌های خارجی	۲۶
X10	چالش حفظ ارزش پول توسط بانک مرکزی به دلیل محدودیت در عرضه ارز و افزایش هزینه‌های مدیریت بازار ارز	۲۷
X8	جهت‌دهی به بازار ارز در کشور توسط سیستم غیررسمی	۲۸
X37	نداشتن امکان استفاده از کارت‌های اعتباری و بدهی مشتریان ایرانی در سایر کشورها و لزوم حمل پول نقد	۲۹
X18	نارضایتی مردم در نتیجه کاهش خدمات بانکی	۳۰
X29	نداشتن امکان سرمایه‌گذاری و استفاده از زمینه‌های درآمدی بین‌المللی از قبیل خرید فلزات قیمتی، خرید اوراق قرضه بین‌المللی، خرید اسکناس و...	۳۱
X30	چالش‌های حقوقی در قراردادهای جاری بین‌المللی بانک‌ها با طرف‌های خارجی به دلیل بهانه کردن شرایط فورس ماژور (اضطراری) به منظور سر باز زدن از تعهدات	۳۲
X40	صادرات کالاهای واردشده تولیدشده با دلارهای سوسپیدی و بهره‌مندی از امتیازات صادرات و اختلال در چرخه مواد اولیه تولید	۳۳
X32	نداشتن امکان استفاده از ابزارهای مشتقه خارجی برای پوشش ریسک‌های بانکی	۳۴
X5	تأمین نشدن نیازهای بانکداری متمرکز (Core Banking) به دلیل محدودیت‌های عملی	۳۵
X22	کاهش گردش پول و کاهش عملیات بانکی در نتیجه از رونق افتادن کسب و کار بر اثر تحریم	۳۶
X34	افزایش هزینه‌های بانک در نتیجه افزایش بهای کالا و تجهیزات مورد نیاز از قبیل دستگاه‌های پوز و خودپردازها	۳۷
X23	محدودیت در دستیابی به فناوری‌های روز و سایر کالاهای مورد نیاز بانک	۳۸
X21	افزایش هزینه‌های بانک در نتیجه آثار تورمی تحریم‌ها	۳۹
X20	کاهش سپرده‌های بانکی به دلیل احساس نا امنی مردم	۴۰

در ادامه شرح مختصری از ریسک‌های شناسایی شده ارائه می‌شود. در موارد با سطح اهمیت پایین‌تر به بیان عناوین بسنده شده است.





### – صعوبت در حواله و انتقالات ارزی

در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی یکی از کارکردهای اصلی بانک‌ها که همان انتقال وجوه ارزی است، دچار اختلال شده است. این اختلال ناشی از محدودیت‌هایی است که در قطعنامه‌ها و مصوبات مذکور در ابتدای این تحقیق به آنها اشاره شد. برای مثال تمام بانک‌ها و مؤسسات مالی ایرانی از افتتاح حساب یا انتقال وجوه در آمریکا منع شده‌اند و سایر کشورها و نهادهای مالی آنها در صورت مراودات مالی با بانک‌های ایرانی مورد اتهام و پیگرد آمریکا قرار می‌گیرند و ممکن است حساب‌های آنها مسدود شود یا مشمول جریمه‌های هنگفت از طرف آمریکا شوند. واضح است که نهادهای مالی منافع سرشار خود از مرادده مالی با آمریکا را به خطر نخواهند انداخت. همین مسئله درباره اتحادیه اروپا صدق می‌کند. بنابراین همه بانک‌ها و مؤسسات مالی دنیا درباره انتقال وجوه به نفع بانک‌های ایرانی به ویژه در مورد دلار و یورو با احتیاط زیادی رفتار می‌کنند و در بیشتر موارد از آن امتناع می‌ورزند.

### – ریسک دریافت و انتقال وجوه حاصل از صادرات و به طور خاص فروش نفت

کاهش سطح مراودات مالی بانک‌های ایرانی با سایر نهادهای مالی دنیا سبب می‌شود انتقال وجوه حاصل از صادرات با مشکل مواجه شود؛ زیرا خریداران کالا از ایران نمی‌توانند وجوه مربوط به خریدهای خود را به سهولت به حساب طرف ایرانی خود منتقل کنند؛ به ویژه در مواردی که ذی‌نفع، دولت ایران یا یکی از شرکت‌های دولتی باشد. پیش از تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی، امکان واریز وجوه به حساب‌های بانک مرکزی وجود داشت، ولی پس از آن دریافت وجوه حاصل از صادرات، خاصه فروش نفت، دچار مشکلات فراوان شده است. هرچند انتقال همه ارزهای دنیا مشمول تحریم‌ها نیست، نداشتن امکان کار با رایج‌ترین ارز دنیا یا همان دلار مشکل‌آفرین بوده است؛ زیرا بسیاری از کشورها حاضر نیستند بهای واردات خود را به ارز مد نظر ما بپردازند. دیگر اینکه در سایر انتقالات خود نیز مورد تهدید و در معرض تحریم آمریکا و شرکای آن هستند.

– ریسک واردات کالا و خدمات، به ویژه کالاهای اساسی به کشور به دلیل دشواری پرداخت وجوه مربوط

تضعیف روابط کارگزاری بین بانک‌های ایرانی و سایر بانک‌ها سبب شده است بانک‌ها نتوانند نقش واسطه‌گری خویش را در زمینه واردات کالا و خدمات به کشور به شکل



کارا ایفا کنند. در عین حال روش‌های جایگزین از قبیل انتقال وجه از طرق غیربانکی مثل صرافی یا حمل وجه نقد نتوانسته است خلأ حضور بانک‌ها در مبادلات تجاری را پر کند و در نتیجه ورود کالا به کشور با ریسک مواجه شده است. شاید درباره بسیاری از کالاها این ریسک مهم تلقی نشود، ولی در مواردی که کشور نیازمند ورود کالاهای اساسی مانند دارو، مواد غذایی مثل گندم و برنج، خوراک دام و قطعات یدکی کارخانجات و صنایع است، نداشتن امکان واریز وجوه مربوط به واردات می‌تواند مشکلات جدی برای کشور ایجاد کند. عاملی که سبب می‌شود راهکارهای جایگزین از جمله حواله از طریق صرافی نتواند جایگزین کارکردهای بانک شود، مقیاس گسترده و قابل توجه این قبیل واردات است. در برخی موارد در داخل کشور نیز ممنوعیت‌هایی برای معاملات در این سطوح وجود دارد.

**– ایجاد رانت در نتیجه چند نرخی شدن ارز و احیای نظام تخصیص ارز**  
محدودیت در انتقال دلارهای حاصل از صادرات و درآمدهای ارزی دولت و همچنین کاهش درآمد دولت به دلیل محدودیت‌های ایجادشده درباره فروش نفت سبب شده است که دولت در تأمین ارز برای واردات با محدودیت‌هایی مواجه شود؛ به گونه‌ای که ارز در دسترس پاسخگوی نیازهای وارداتی بسیاری از کالاها نباشد. در نتیجه به دلیل ناهماهنگی عرضه و تقاضای ارز، شکاف قیمتی بین ارز دولتی و ارز آزاد به وجود آمده و همچنین تخصیص ارز دولتی به نیازهای وارداتی به چالشی جدی برای بانک‌های ایرانی به ویژه بانک مرکزی بدل شده است. در چنین شرایطی دولت ناگزیر است ارز موجود را به اولویت‌های واردات در کشور یا همان کالاهای اساسی مورد نیاز کشور تخصیص دهد. بدین علت هم عادلانه بودن تخصیص ارز به متقاضیان مورد تردید است و هم زمینه ایجاد رانت و فساد ناشی از آن به شکل طبیعی فراهم می‌شود.

**– صعوبت در گشایش اعتبارات اسنادی و به تبع آن واردات کالا به کشور در نتیجه تضعیف روابط کارگزاری بانک‌ها**

در سال‌های اخیر رایج‌ترین شیوه خرید و فروش کالا بین همه کشورها استفاده از اعتبارات اسنادی یا LC است. هنگام عقد قرارداد بین‌المللی، از سویی خریدار مایل است کالاهای خریداری‌شده را در زمان معین و صحیح و سالم دریافت کند و قبل



از انتقال مالکیت کالا به خود و حمل آن، قیمت آن را پرداخت نکند و از سوی دیگر فروشنده کالا تمایل دارد قبل از فروش کالا حتماً وجه آن را دریافت دارد. این تضاد منافع و ناآشنایی و اطمینان نداشتن خریدار و فروشنده به یکدیگر موجب شده است سازوکاری به نام اعتبار اسنادی ایجاد شود که منافع خریدار و فروشنده را توأمان منظور کند و ریسک‌های طرفین قرارداد را پوشش دهد. در این شیوه ارائه اسناد حاکی از حمل کالا به بانک نشان‌دهنده حمل کالا است و براساس آن پرداخت از طریق بانک انجام می‌گیرد. استفاده عمومی از اعتبارات اسنادی پس از جنگ جهانی اول رایج شده است. امروزه اعتبارات اسنادی مهم‌ترین شیوه پرداخت در تجارت بین‌المللی است. اعتبار اسنادی در ساده‌ترین تعریف، تعهد مشروط بانک گشایش‌کننده اعتبار به ذی‌نفع اعتبار اسنادی است که در مقابل ارائه اسناد و طبق شرایط اعتبار از طرف فروشنده، در مدت معینی اقدام به پرداخت تعهد به او کند. در اعتبار اسنادی تمام طرفین قرارداد، اسناد (نه کالا) را معامله می‌کنند؛ بنابراین، بانک کاری به این ندارد که کالا در چه وضعیتی است.

#### – تعطیلی یا کاهش حجم فعالیت‌های شعب خارج از کشور

در نتیجه تحریم‌ها، اغلب شعب خارجی بانک‌های ایرانی به ویژه شعب فعال در اروپا به شکل کامل به تعطیلی کشیده شده‌اند، زیرا فعالیت اصلی آنها مربوط به امور ارزی بوده است که در شرایط تحریم به طور طبیعی برایشان امکان‌پذیر نیست.

#### – ممنوعیت استفاده از خدمات ارتباطی از قبیل سوئیفت و رویترز معاملاتی

از طریق سیستم سوئیفت جهانی (S.W.I.F.T) یا سایر شبکه‌های بین‌المللی، مشتریان می‌توانند به هر میزان ارز و از هر نوع آن به اکثر نقاط جهان و برای هر شخصی که مایل باشند ارسال کنند تا ذی‌نفع با مراجعه یا از طریق برداشت، وجه مد نظر را دریافت کند. عملیات نقل و انتقال وجوه (ارزی) با استفاده از سیستم شبکه جهانی سوئیفت و رعایت ضوابط و مقررات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مصوبات پول‌شویی انجام می‌شود. مزایای خدمات صدور حواله از طریق سوئیفت عبارت‌اند از: سرعت بالا؛ این روش یکی از سریع‌ترین روش‌های ارسال وجه است. قابلیت انطباق ارزی: حواله سوئیفت برای اکثر ارزهای عمده جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اطمینان: وجه مد نظر قطعاً به حساب ذی‌نفع حواله واریز می‌شود.



- افزایش ریسک در انتقالات ارزی به دلیل استفاده از شیوه‌های ناامن انتقال وجه از مسیرهای غیربانکی ریسک به مراتب بالاتری از انتقالات بانکی دارد؛ زیرا غالب این شکل از تراکنش‌ها به طرفیت اشخاص حقیقی انجام می‌گیرد و پشتوانه حقوقی آن متناسب با ریسک ناشی از آن نیست. ممکن است این سطح از ریسک در حوالجات محدود و با مبلغ اندک توجیه داشته باشد، ولی در مورد حواله‌های با مبالغ بالا توجیه‌پذیر نیست. علاوه بر این، نقل و انتقال ارز به شیوه غیربانکی همواره ریسک شناسایی شدن از طرف کشورهای تحریم‌کننده یا مورد اتهامات مختلف از قبیل پول‌شویی قرار گرفتن را همراه خواهد داشت. ناگفته نماند این ریسک بیشتر متوجه مشتریان بانک خواهد بود تا خود بانک.

#### - افزایش ریسک اقتصادی و سیاسی کشور

افزایش فشارها بر کشور بی‌شک ریسک سیاسی و اقتصادی کشور را بیشتر می‌کند. گمانه‌زنی‌های تبلیغاتی درباره تهدیدهای نظامی و غیرنظامی سبب می‌شود سرمایه‌گذاران خارجی و سایر طرف‌های تجاری بانک‌های ایرانی، با تأمل و احتیاط بیشتری به تداوم ارتباط خود با طرف‌های ایرانی خود بیندیشند.

- کاهش درآمد بانک ناشی از کاهش فعالیت‌ها و به تبع آن گردش مالی بانک از قبیل گشایش اعتبار و حوالجات و ...

با افزایش دامنه تحریم‌ها، بخش مهمی از فعالیت‌های بانک‌های ایرانی که با موضوع ارز و نقل و انتقال بین‌المللی وجوه مرتبط است، با کاهش چشم‌گیر مواجه شده و به تبع آن درآمدهای حاصل از این بخش نیز کاهش پیدا کرده است. کارمزدهای مربوط به حواله ارز، گشایش اعتبارات اسنادی، گشایش ضمانت‌نامه‌ها و ... از سبب درآمدی بانک‌ها حذف شده و فعالیت‌های بانکی به امور داخلی محدود شده است؛ در حالی که هزینه‌های مرتبط با این دسته از فعالیت‌ها از جمله حقوق پرسنل ارزی بانک‌ها و هزینه‌های شعب ارزی همچنان برقرارند و تنها درآمدهای متناظر با آنها کاهش پیدا کرده است.



– نداشتن تمایل سایر بانک‌ها (در کشورهای غیرتحریم‌کننده) به همکاری با بانک‌های ایرانی (حتی بانک‌های تحریم‌نشده)

ایالات متحده آمریکا تحریم‌های همه‌جانبه‌ای را علیه ایران به ویژه سیستم بانکی ترتیب داده است و از تمام ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی خود برای اجرای کامل آنها و تنگ‌تر کردن حلقه تحریم‌ها استفاده می‌کند. این امر در کنار قدرت اقتصادی آمریکا و همچنین نقش دلار در معاملات جهانی سبب شده است اکثر کشورها با وجود الزام حقوقی نداشتن در سطح بین‌المللی برای اعمال فشار بر ایران، از ترس از دست دادن منافع خود در مراودات با نهادهای مالی آمریکا یا جریمه‌های هنگفت دولت آمریکا برای تداوم ارتباط با بانک‌های ایرانی دچار تردید یا بی‌میلی کامل شوند. به عبارت دیگر فراتر از چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی، آمریکا با استفاده از ابزارهای در اختیار خود، معادله هزینه - منفعت را در کشورها به گونه‌ای ترتیب داده است که تمایلی به برقراری ارتباط با طرف‌های ایرانی نداشته باشند.

– بازگشت نکردن ارزهای صادراتی به سیستم بانکی کشور و غیرشفاف شدن درآمدهای صادرکنندگان

تحریم بانک‌های ایرانی سبب شده است که صادرکنندگان کالا و خدمات در کشور نتوانند وجوه حاصل از صادرات خود را در حساب‌های خود در داخل کشور وصول کنند و ناچار باید وجوه خود را در حساب‌هایی خارج از کشور دریافت کنند. این امر سبب می‌شود عملاً سیستم بانکی از گردونه صادرات کشور حذف شود و درآمدهای حاصل از صادرات نیز غیرشفاف و مبهم باشند. به عبارت دیگر سیستم بانکی به طور محدود در چرخه واردات کالا و خروج ارز از کشور دخالت دارد، ولی به دلیل تمایل نداشتن صادرکنندگان به ورود ارز به کشور، اقدام مؤثری در زمینه ورود ارز به کشور انجام نمی‌دهند.

– محدودیت در صادرات کالا و خدمات به دلیل محدودیت در گشایش ضمانت‌نامه‌های ارزی، انتقال وجوه و ...

عمده این محدودیت‌ها ناشی از نداشتن امکان صدور ضمانت‌نامه‌های ارزی توسط طرف‌های ایرانی است. ضمانت‌نامه بانکی تعهد برگشت‌ناپذیر یک بانک به پرداخت وجه مورد ضمانت در صورت عدم ایفای قرارداد توسط شخص ثالث است که فروشنده یا متعهد انجام قرارداد است.



ضمانت‌نامه معمولاً تعهد جداگانه و مستقل از بدهی اصلی یا ملحوظ در قرارداد بین طلبکار و بدهکار اصلی است. تحت شرایط ضمانت‌نامه، بانک باید وجه ضمانت‌نامه را با اولین درخواست، مشروط بر آنکه در شرایط مندرج در ضمانت‌نامه تحقق یافته باشد، پرداخت کند. معمولاً قوانین کشوری که ضمانت‌نامه در آن صادر شده است، طبق رویه معمول، ناظر بر اجرای مشروط آن ضمانت‌نامه است.

#### - افزایش هزینه‌های نقل و انتقال ارز (برای مثال کارمزد صرافی)

کارمزدهای مربوط به نقل و انتقال از طریق صرافی‌ها به مراتب بیشتر از انتقالات بانکی است. حتی در شرایطی که بانک از طریق صرافی خود اقدام به انتقالات ارزی کند، باز هم به دلایل مختلف از جمله نیاز به واسطه‌یابی در بسیاری پرداخت‌ها، هزینه انتقال ارز درصد زیادی از میزان انتقال را به خود اختصاص می‌دهد.

#### - ریسک تنظیم تعهدات کشور توسط بانک مرکزی

یکی از مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی تنظیم تعهدات کشور است. منظور از تنظیم تعهدات، اختصاص درآمدهای ارزی به مصارف ارزی به شکل کاراست. منابع ارزی عبارت‌اند از: درآمدهای حاصل از صادرات که عمده‌ترین بخش آن درآمد حاصل از فروش نفت است. مصارف ارزی را می‌توان به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

۱. واردات کالا (در این عنوان واردات تکلیفی در بودجه مد نظر قرار نگرفته است).  
۲. تکالیف بودجه‌ای ارزی (مانند اختصاص مقدار مشخصی از ارز برای ورود لوازم بیمارستانی)؛

۳. تکالیف بودجه‌ای ریالی (مانند تبدیل مقدار مشخصی از ارز به ریال برای پرداخت حقوق کارکنان دولت)؛

۴. بازپرداخت تعهدات قبلی، ناشی از فاینانس و ....

در نتیجه تحریم‌ها، تنظیم تعهدات کشور به دو دلیل با ریسک مواجه شده است: اول اینکه کاهش درآمدها یا به عبارتی کاهش منابع ارزی موجب شده است نحوه تخصیص آن به مصارف، دچار اختلال شود و دولت مجبور به اولویت‌بندی مصارف باشد. دوم اینکه ابهام در درآمدها و منابع آتی سبب می‌شود بانک مرکزی نتواند به طور مشخص سطح تعهداتی را که کشور می‌تواند برای سال‌های بعد بر عهده بگیرد، تعیین و براساس آن عمل کند.



## ۸. طراحی الگوی مدیریت ریسک‌های سیستم بانکی

براساس تحلیل نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های انجام‌شده، راهکارهای مدیریت ریسک‌های بانکی ناشی از تحریم در جمهوری اسلامی را به لحاظ ساختاری به چهار دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. دسته اول راهکارهای کلی و عمومی که به نقش بانک‌ها در توسعه و برقراری ساختار مستحکم اقتصادی در کشور که توان مقابله و مقاومت در برابر فشارهای خارجی را داشته باشد، مربوط می‌شود. مثال این بخش تعیین اولویت‌های بانکی در ارائه تسهیلات به مشتریان بانک‌هاست، به گونه‌ای که در نهایت به تشویق تولیدکنندگان و افزایش قدرت تولید داخلی در کشور ختم شود.

۲. دسته دوم راهکارهای مرتبط با استفاده از سناریوهای جایگزین در مواردی که به دلیل تحریم‌های اعمال‌شده، استفاده از راه‌های معمول و متداول برای انجام امور بانکی مقدور نیست. در چنین شرایطی بانک‌ها باید بتوانند با استفاده از شیوه‌های جایگزین، جایگاه خود را در گردونه اقتصاد کشور حفظ کنند. مثال این بخش، تأسیس صرافی به وسیله بانک‌ها و ارائه خدمات حواله ارز به مشتریان است.

۳. دسته سوم راهکارهایی که بیشتر جنبه تکنیکی دارند و به شکلی به دنبال استفاده از منافذ موجود در تحریم‌ها و دور زدن آنها هستند. این راهکارها بعضاً از ترفندهای حقوقی بهره‌مند می‌شوند و در برخی موارد از تکنیک‌های اجرایی و محدودیت‌های نظارتی طرف تحریم‌کننده حسن استفاده را می‌کنند. سه ویژگی بارز و مشترک این قبیل راهکارها این است که به شدت اقتضایی، کوتاه‌مدت و محرمانه‌اند، به طوری که در برخی موارد فقط یک بار استفاده و به سرعت شناسایی می‌شوند. همچنین یک راهکار ممکن است فقط یک بار قابلیت حل مشکل را داشته باشد.

۴. دسته چهارم راهکارهایی که تا حدودی ماهیت تهاجمی دارند و به دنبال تضعیف راهکارهای مورد استفاده طرف‌های متخاصم هستند. ناگفته پیداست که عدم توازن بین قدرت اقتصادی طرفین تنازع به کارگیری این راهکار را بسیار مشکل می‌کند؛ ولی بانک‌های ایرانی می‌توانند با توسعه روابط خود با سایر بانک‌ها و نهادهای مالی در کشورهای اسلامی و سایر کشورهای غیرمتعهد توان آنان را در خدمت خود بگیرند. در زیر الگوی مفهومی مدیریت ریسک‌های بانکی جمهوری اسلامی در نتیجه تحریم‌ها ارائه و سپس به تفکیک به هریک از بخش‌ها پرداخته می‌شود.





شکل ۱- الگوی مفهومی مدیریت ریسکهای بانکی جمهوری اسلامی

### الف) مدیریت ریسکها از طریق تبدیل تهدیدها به فرصتها

بر مبنای مدل برنامه ریزی استراتژیک، برآیند نقاط ضعف و تهدیدها بیانگر اولویتهای و برآیند نقاط قوت و فرصتها نشان دهنده ظرفیتهای هستند. با این رویکرد برای مدیریت تحریمها در ابتدا باید نقاط قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدها را شناسایی و سپس ظرفیتهای و اولویتهای آنها را استخراج کرد. در مورد تحریمهای بین المللی، شناسایی نقاط ضعفی که هدف قرار گرفته اند با بررسی ماهیت تحریمها و گزارشهای داخلی تحریم کنندگان ممکن خواهد بود. مهم ترین این نقاط ضعف که در گزارش کنت کاتزمن<sup>۱</sup> (F35) به کنگره آمریکا به آن اشاره شده، عبارت است از وابستگی دولت ایران به درآمدهای نفتی که حدود ۷۰ درصد از درآمد دولت ایران را به خود اختصاص داده است.

1 . Kenneth Katzman



بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سیستم بانکی کشور باید اولویت خود را نقش‌آفرینی در پوشش نقاط ضعف کشور که برخی ریشه تاریخی دارند، قرار دهد. به برخی راهکارها که از مصاحبه‌های انجام‌گرفته استخراج شده‌اند و نقش بانکها را در ایجاد اقتصاد مقاومتی تبیین می‌کنند، اشاره می‌شود:

- قرار دادن بخش تولید به ویژه تولید کالاهای اساسی از جمله مواد خوراکی، خوراک دام و کالاهای صنعتی مورد نیاز کارخانجات کشور در اولویت دریافت تسهیلات از سیستم بانکی کشور؛

- کمک به تسریع تبدیل اقتصاد دولتی به اقتصاد مردمی با حمایت از بخش خصوصی و جهت‌دهی به سرمایه‌های موجود در بانکها با در نظر گرفتن این ملاحظه؛

- حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش‌های پتروشیمی و صنایع تبدیلی به منظور کاهش خام‌فروشی نفت.

#### ب) مدیریت ریسکها با استفاده از سناریوهای جایگزین

استفاده از سناریوهای جایگزین به معنی استفاده از شیوه‌هایی است که در نتیجه تحریمها یا تحت تأثیر قرار نگرفته‌اند یا کمتر متأثر شده‌اند. ایجاد ممنوعیت‌های شدید معاملاتی برای بانکها و حتی بستن مسیرهای استاندارد جابه‌جایی ارز از طریق سیستم بانکی مانند سوئیفت سبب شده است حجم فعالیت‌های بانک‌های ایرانی به خصوص در حوزه عملیات ارزی و بین‌المللی به طور چشم‌گیری کاهش پیدا کند. این کاهش عملیات را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش اول میزان کاهش در مراودات کشور به طور مطلق است؛ به این معنی که استفاده نکردن از شیوه‌های بانکی با سایر روشها جایگزین نشده است و برای مثال ارزش واردات کشور از عدد ۱۰۰ به ۷۰ (اعداد نمادین هستند) کاهش پیدا کرده است. بخش دوم میزان کاهشی است که در عملکرد بانکها منعکس شده، ولی در بخش واقعی اقتصاد هنوز در حال انجام است و تنها شکل انجام و مسیر تحقق آن تغییر کرده و از بانکها به سایر بخشها مانند کانال‌های غیررسمی و صرافی‌ها منتقل شده است.

آنچه از سیستم بانکی کشور انتظار می‌رود این است که بتواند با به کارگیری



شیوه‌های جایگزین، جایگاه خود را در مراودات تجاری کشور حفظ کند. هرچند هزینه انجام معاملات در سناریوهای جایگزین بیشتر از شیوه‌های استاندارد است، بانک‌ها می‌توانند با ایفای نقش مؤثر همچنان به سودآوری خود از این طریق مبادرت ورزند.

در زیر به برخی شیوه‌های جایگزین که در حال حاضر نیز به طور نسبی استفاده می‌شوند، اشاره و الگوی مناسب برای به کارگیری آنها بررسی می‌شود.

### - انتقال وجوه از طریق صرافی

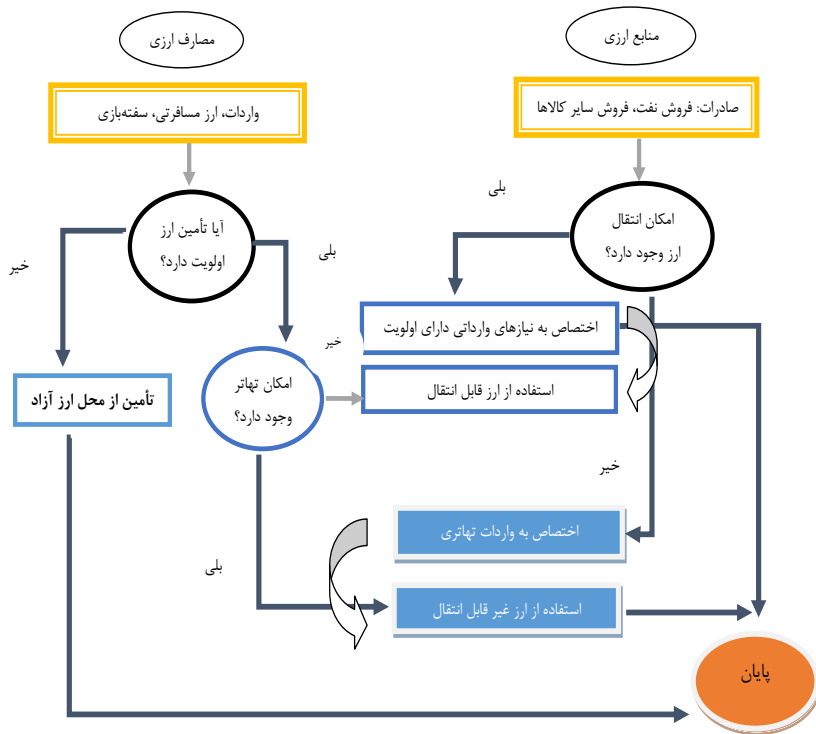
در این شیوه، انتقال وجه از طریق حساب‌های مرتبط با افراد در کشورهای مختلف انجام می‌گیرد. دارندگان ارز مازاد بر نیاز خود در حساب‌های خارجی از طریق صرافی‌ها وجوه را به متقاضیان آن در کشور واگذار می‌کنند، بدون اینکه سیستم بانکی کشور واسطه مبادلات قرار گیرد. ویژگی این شکل از انتقال این است که رهگیری و جلوگیری از آن بسیار سخت و هزینه‌بر است و در نتیجه راهکاری مؤثر برای فعالیت در شرایط تحریم به حساب می‌آید. در حال حاضر نیز بخش مهمی از انتقالات ارزی در کشور با این شیوه انجام می‌شود و ارز حاصل از صادرات به مصرف واردات می‌رسد. نکته‌ای که درباره این شکل از انتقالات باید به آن توجه کرد ریسک بسیار بالای آن است که در شرایط کنونی کشور اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و باید آن را در حاشیه سود در نظر گرفته‌شده لحاظ کرد.

### - ایجاد سازوکارهای تهاتری برای معاملات بین‌المللی

منظور از تهاتر، شکلی از مراودات است که در آن انتقال وجه انجام نمی‌گیرد و معامله از طریق جابه‌جایی کالا بین دو طرف انجام می‌شود. قدمت این نوع معاملات به اندازه تاریخ تمدن بشر است، ولی با توسعه سیستم‌های ارتباطی در دنیا استفاده از آن تقریباً منسوخ شده است.

در شکل صفحه بعد مدل تخصیص بهینه منابع ارزی به مصارف ارزی با استفاده از معاملات تهاتری ارائه می‌شود.





شکل ۲- مدل تخصیص بهینه منابع ارزی به مصارف ارزی با استفاده از معاملات تهاتری

مهم‌ترین ملاحظه درباره معاملات تهاتری مسائل حقوقی آن است که ممکن است در نتیجه عدم سازوکار گشایش اعتبار، مشکلاتی را در آینده به وجود بیاورد. از این رو بانک‌ها می‌توانند با طراحی سازوکارهای مناسب حقوقی، بستر مطمئنی برای معاملات تهاتری ایجاد و در این زمینه نیز نقش مؤثری ایفا کنند. این نقش‌آفرینی می‌تواند در ارتباط با اتاق بازرگانی سایر کشورها انجام گیرد.

#### ج) مدیریت ریسک‌ها با استفاده از راهکارهای دور زدن تحریم‌ها

منظور از دور زدن تحریم‌ها استفاده از منافذ موجود و گلوگاه‌هایی است که از نظارت تحریم‌کنندگان خارج مانده یا می‌توان به طور مقطعی از تکنیک‌هایی برای برون‌رفت از دایره تحریم‌ها بهره جست.

همان‌طور که اشاره شد، این دسته از راهکارها به شدت اقتضایی، محرمانه و کوتاه‌مدت‌اند، به طوری که بخشی از آنها یک بار مصرف‌اند و قابلیت تکرار ندارند. نمونه



این راهکارها استفاده از کدهای رمز در نامه‌نگاری‌ها با بانک‌های طرف معامله است تا نهادهای مجری تحریم نتوانند آنها را ردیابی کنند. سایر یافته‌های مصداقی تحقیق در این بخش به دلیل ملاحظات امنیتی قابلیت ارائه ندارند و تنها به مدل دستیابی به آنها و پیاده‌سازی آنها اشاره شده است.

د) مدیریت ریسک‌ها با استفاده از راهکارهای تضعیف‌کننده برنامه‌های متخاصمین با توجه به قدرت اقتصادی مجموعه کشورهای متخاصم با ایران، درباره قابلیت به کارگیری چنین راهکارهایی تردید جدی وجود دارد؛ در عین حال با توجه به امکان نظری آن در این بخش به آن اشاره شده است. منظور از راهکارهای تضعیف‌کننده به کارگیری رویکرد تهاجمی در قبال تحریم‌کنندگان است. در این رویکرد ممکن است به دنبال تضعیف ارزش کشورهای متخاصم باشیم یا با استفاده از ابزارهای در اختیار خود، از قبیل جایگاه سیاسی کشور بین کشورهای منطقه، به منافع کشورهای تحریم‌کننده آسیب برسانیم و برنامه‌های تحریمی آنان را تحت تأثیر قرار دهیم.

### نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق ارائه الگوی مدیریت ریسک‌های بین‌الملل در بانکداری جمهوری اسلامی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی بوده است. بدین منظور در بخش مرور ادبیات به بررسی تحریم‌های اعمال‌شده علیه جمهوری اسلامی به تفکیک تحریم‌های سازمان ملل، تحریم‌های آمریکا و تحریم‌های اتحادیه اروپا پرداخته و تحریم‌های مرتبط با سیستم بانکی کشور استخراج شد. گام بعدی تحقیق، شناسایی ریسک‌های به‌وجودآمده برای سیستم بانکی در نتیجه تحریم‌ها و اولویت‌بندی آنها به لحاظ سطح اهمیت بود. در این راستا با شناسایی گروهی از خبرگان و با استفاده از روش دلفی، ریسک‌های مذکور جست‌وجو و در نهایت ۴۰ ریسک عمده در ارتباط با بانک‌های ایرانی شناسایی شدند. پس از آن، موارد شناسایی‌شده مجدداً به لحاظ اهمیت مورد ارزیابی خبرگان قرار گرفتند و دیدگاه خبرگان با استفاده از آزمون فریدمن تحلیل و بر مبنای آن، سطح اهمیت ۴۰ مورد شناسایی‌شده تعیین شد. در گام آخر تحقیق، از طریق مصاحبه‌هایی که با کارشناسان و برخی متولیان مسئول موضوعات مربوط انجام شد، راهکارهای مدیریت ریسک‌های شناسایی‌شده مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. برخی یافته‌های این بخش از تحقیق راهکارهایی بودند که در حال حاضر در کشور استفاده می‌شوند و



بخش دیگر مواردی هستند که از دید کارشناسان باید علاوه بر تلاش‌های قبلی، مورد توجه جدی قرار گیرند.

در نهایت به منظور دستیابی به الگوی مفهومی مدیریت ریسک‌ها، مجموعه راهکارهای شناسایی‌شده در قالب چهار عنوان دسته‌بندی شد. دسته اول راهکارهای کلی و عمومی که به نقش بانک‌ها در توسعه و برقراری ساختار مستحکم اقتصادی در کشور که توان مقابله و مقاومت در برابر فشارهای خارجی را داشته باشد، مربوط می‌شود. دسته دوم از راهکارها به استفاده از سناریوهای جایگزین در مواردی که به دلیل تحریم‌های اعمال‌شده، بهره‌مندی از راه‌های معمول و متداول برای انجام امور بانکی مقدور نیست، مربوط می‌شود. دسته سوم راهکارهایی که بیشتر جنبه تکنیکی دارند و به شکلی به دنبال استفاده از منافذ موجود در تحریم‌ها و دور زدن آنها هستند. دسته چهارم راهکارهایی که به دنبال تضعیف راهکارهای مورد استفاده طرف‌های متخاصم هستند.

با توجه به یافته‌های تحقیق، موارد ذیل به عنوان توصیه‌های سیاستی برای مدیریت بهتر ریسک‌های بیان‌شده پیشنهاد می‌شود:

۱. مطالعه تحریم‌های اعمال‌شده و نتایج آن نشان می‌دهد که متخاصمین کاملاً برنامه‌ریزی‌شده و گام به گام عمل می‌کنند. توجه به این واقعیت لزوم جدیت بیشتر و برنامه‌ریزی دقیق‌تر و هماهنگ‌تر بین نهادهای مربوط در کشور به خصوص بانک‌ها را روشن می‌کند. در نتیجه پیشنهاد می‌شود کارگروه مشترکی از خبرگان بانکی برای پایش مستمر تحریم‌ها و ارائه راهکارهای مدیریت ریسک‌های ناشی از آن تشکیل شود.
۲. با توجه به سیاست تثبیت نرخ ارز در سال‌های گذشته که سبب غیرواقعی شدن نرخ برابری ارز و در نتیجه صدمه دیدن تولید داخلی شده است، پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی با رویکردی ملایم و آرام به سمت واقعی شدن نرخ ارز و همچنین تک‌نرخی شدن آن حرکت کند. سیاستی که در میان‌مدت به رونق تولید داخلی، کاهش واردات کالاهای بی‌کیفیت یا لوکس خارجی، از بین رفتن رانت و فساد ناشی از نظام تخصیص ارز و ارتقای فرهنگ مصرف در کشور می‌انجامد.
۳. بانک‌ها می‌توانند با افزایش تلاش خود و ایجاد ساختارهای پویا و قابل انعطاف، جایگاه خود را در چرخه واردات و صادرات کشور حفظ کنند و با ارائه راه‌حل‌های جایگزین برای انجام مراودات تجاری به فعالان اقتصادی، هم‌پیشگام مقابله با تحریم‌ها باشند و هم نقش واسطه‌گری و در نتیجه سودآوری خویش را جامه تحقق ببوشانند.



۴. ایجاد سازوکارهای حقوقی جدید برای انجام معاملات خارجی از قبیل اعتبارات اسنادی ویژه و ضمانت‌نامه‌های ویژه در معاملات تهاتری که خارج از رویه‌های معمول بانکی انجام گیرد، می‌تواند جایگاه بانک‌ها در مدیریت ریسک‌های ناشی از تحریم را ارتقا بخشد.

با توجه به اهمیت موضوع مدیریت ارز در شرایط تحریم پیشنهاد می‌شود کارگروه ویژه‌ای متشکل از فعالان اقتصادی، مسئولان اجرایی و کارشناسان بانکی به پیش مداوم موضوع ارز در کشور و نحوه تخصیص آن و تعیین اولویت‌های آن پردازند.

۶. وارد شدن هرچه بیشتر مردم به چرخه اداره اقتصاد کشور و به عبارت دیگر حرکت به سمت مردمی‌تر شدن اقتصاد، می‌تواند در زمینه خنثی‌سازی آثار تحریم و یافتن راه‌های جدید برای برون‌رفت از محدودیت‌های ایجادشده مؤثر باشد؛ زیرا کانال‌های محدود و انگشت‌شمار به خصوص در موضوع واردات کاملاً قابل ردیابی و در نتیجه متزلزل خواهند بود.

۷. رفع بروکراسی زاید در بانک‌ها و به عبارت دیگر، پدیده خودتحریمی در سیستم‌های اداری بانک‌ها باید جزو اولویت‌های بانک‌های کشور و نهادهای ناظر بر آنها قرار گیرد.

۸. شایسته است بانک‌های کشور با برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگ برای حمایت از تولید داخلی به ویژه در زمینه خودکفایی در تولید کالاهای اساسی گام بردارند و ارائه تسهیلات به این موضوعات را در اولویت کاری خود قرار دهند. این اقدام سیاست تحریم‌کنندگان مبنی بر ایجاد فشار از طریق محدود کردن واردات کشور را بی‌اثر می‌کند.

۹. ایجاد بسترهای لازم برای جلوگیری از صدور مواد اولیه و منابع خدادادی کشور از قبیل نفت خام از طریق ارائه تسهیلات به بخش‌های تولیدی واسطه‌های مانند پالایشگاه‌ها نیز در زمره سیاست‌های ضد تحریمی بانک‌های ایرانی به شمار می‌آید.

۱۰. ایجاد مسیرهای ارتباطی برای انجام فعالیت‌های ارزی به طوری که به سهولت قابل شناسایی نباشند. افتتاح حساب‌های متعدد به وسیله شخصیت‌های حقیقی و حقوقی گوناگون و به نفع بانک‌های ایرانی یکی از این راهکارهاست.

۱۱. به کارگیری مأموران ویژه و مشاوران امین و آگاه به مسائل بانکی و تحریم برای هدایت نقل و انتقال پول و تسهیل مبادلات بین بانکی برای حمایت از اهداف کشور می‌تواند در خنثی‌سازی تحریم‌های مالی مؤثر باشد.



۱۲. با عنایت به روند رو به گسترش بانکداری اسلامی که حجم زیادی از مبادلات بانکی در جهان را به خود اختصاص داده است، تأکید ویژه بر استقلال و توانمندی بانک توسعه اسلامی از طریق گسترش بنگاه‌های فراملی اسلامی، مقابله با ریسک‌های سرمایه‌ای ناشی از تحریم‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد.

۱۳. طراحی و پیاده‌سازی الگوهای معاملاتی با شرایط برد-برد به منظور حفظ ارتباط و متقاعد کردن سایر بانک‌ها به خصوص بانک‌های کشورهای شرقی، راهکار دیگری است که می‌تواند به توسعه ارتباطات بانکی در شرایط تحریم کمک کند. این الگوها باید بتوانند هزینه ریسک‌های ناشی از همکاری با بانک‌های ایرانی را پوشش دهند.

۱۴. پیشنهاد می‌شود کارگروهی متشکل از کارشناسان خبره و مطمئن همه بانک‌های کشور برای ایجاد هم‌افزایی و ارائه راهکارهای قابل استفاده برای مدیریت بهتر شرایط تحریمی در بانک‌ها تشکیل شود تا پشتوانه محتوایی اقدامات مقابله‌کننده با تحریم‌ها را فراهم کند.



## منابع فارسی

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۸۹)، «اسلام به عنوان قدرت سیاسی در روابط بین‌الملل»، در آنتونی اچ. جانز و نلی لاهود، اسلام در سیاست بین‌الملل، ترجمه رضا سیمبر، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، «فرهنگ امنیت جهانی»، در: مک کین لای و آر. لیتل، امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- آذر، عادل و منصور مؤمنی (۱۳۸۷)، آمار و کاربرد آن در مدیریت، جلد دوم، تحلیل آماری، سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آذری، مصطفی و همکاران (۱۳۸۷)، تحریم اقتصادی، آثار و پیامدها، سیاست‌ها و راهکارها، مؤسسه تدبیر اقتصاد.
- آزر، ادوارد ای. و چونگ این مون (۱۳۷۹)، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهروزی فر، مرتضی (۱۳۸۳)، «اثرات تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۲۳.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۲)، «جمهوری اسلامی ایران و تعامل با نظام اقتصاد جهانی: توسعه و ضرورت اصلاحات اقتصادی و سیاسی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، س اول، ش ۲، زمستان.
- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دانایی فرد، حسن، مهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۸)، روش‌شناسی پژوهش کیفی و کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار.
- زهرائی مصطفی (۱۳۷۶)، «تحریم اقتصادی از نظر تا عمل»، مجله سیاست خارجی، س ۱۱، ش یک.
- زهرائی مصطفی، دولتخواه زهرا (۱۳۸۹)، «مقایسه تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران و کره شمالی در شورای امنیت»، نشریه راهبرد.
- سامتی، مرتضی و آزاد خانزادی و مهدی یزدانی (۱۳۸۸)، «اثرات درآمدهای نفتی و تزریق آن به اقتصاد بر توزیع درآمد: مطالعه موردی کشور ایران»، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۶، ش ۴، زمستان.
- علی‌پور، مجید و علی یوسف‌نژاد (۱۳۸۸)، امنیت اقتصادی، قم: نشر قضا.
- کارآفرین (الف) (۱۳۹۰)، «اطلاعاتی از تحریم‌های علیه ایران»، ش ۸۶، مرداد و شهریور.
- کارآفرین (ب) (۱۳۹۰)، «برآوردهای اجمالی از آثار قطعنامه‌ها و تحریم اقتصادی بر ایران»، ش ۹۰، دی.





## منابع لاتین

- Askari, H. and et. al. (2003), "Economic Sanctions: Examining Their Philosophy and Efficacy", Praeger, Westport, CT.
- Barry, Buzan (2008), *People, States and Fear*.
- Buzan, Barry, "Economic Structure and International Security: The Limits of the Liberal Case", *International Organization*, Vol. 38, No. 4.
- Carter Barry E., (1992), International Economic Sanctions: Improving the Erin Day, Economic Sanctions Imposed by the United States Against Specific Countries; 1979 Hthrough 1992, CRS Report for congress, 92-63 IF, 10 August.
- Clawson, Patrick (2007), "Could Sanctions Work against Tehran?", *Middle East Quarterly*, Winter.
- Cortright, David and George A. Lopez (1995), Sanction Sara, an Alternativeto Military Intervention, the Flecher Forum, Summer/Fall.
- Effectiveness of International Economic Sanctions: An Examination of Selection Bias. International Politics.
- Hufbauer Gary Clyde, Elliott Kimberly Ann, Cyrus Tess, Winston Elizaeth (2000),US Economic Sanctions: Their Impact on Trade, Jobs and Wages, Institute for International Economics.
- Iran Sanctions: Impact in Furthering U.S. (2007), "Objectives in Unclear and Should be Reviewed", the Government Accountability Office.
- Iran-Libya Sanction Act (ILSA), (1996) .
- Jalal Dehghani Firouzabadi (2005), "Foreign Policy Requirements for National Development in Iran's 20 Year View", *The Iranian Journal of International Affairs*, Vol. XVIII, No. 1, Spring.
- Katzen Stein, Peter (1996), *The Culture of National Security*, New York: Columbia University Press.
- Sasan Fayazmanesh (2002), *The Politics of the U.S. Economic Sanctions against Iran*, Department of Economics, California State University, 5245 Becker Avenue, MS PB20, Fresno, CA 93740-8001, USA.
- Snyder, Craig A (2008), *Contemporary Security and Strategy, Second Edition*, New York: Pal Grave Macmillan.
- Stanglin, Doug(2010), "Brazil Slaps Trade Sanctions on U.S. to Retaliate for Subsidies to Cotton Farmers," March 9, Retrieved on March 14, 2010.

